

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقام ولایت

انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون (۱)

اکنونکه آهنگ هدایت بخش ولایت از صحنه سعادت خیز غدیر روان پاکدلان و پرهیزکاران را مینوازد در برابر پایگاه پاک پیشوائی امت که ارکانش به اراده و توانائی پروردگاری قوام و استحکام یافته باایمان و اشتیاق تعظیم می‌کنیم و اعتقاد بچنین حقیقت روشن را رمز رستگاری و نجاح خویش می‌شماریم زیرا ولایت رکن استوار اسلام است و این دین جاویدان بر آن تکیه کرده و بقاء و دوامش بر چنین استوانه مقدسی مبتنی است چنانکه امام ششم (ع) فرمود بنی‌الاسلام علی خمسة اشیاء علی الصلوة والزکوة والحج والصوم والولاية سپس افزود والولاية افضل لانها مفتاحهن والوالی هو الدلیل (۲)

این ولایت است که تدبیر امور مردم را دربر میگیرد و مالکیت چنین حقیقتی را واجد میگردد (۳) و در این صورت کسیکه این مقام والا را احراز میکند و بر کرسی پیشوائی اجتماع می‌نشیند باید زعامت مردمان را بحق دریاورد و شایسته آن باشد که هیئت اجتماعی بشر از نظر حفظ مصالح افراد و اجتماعات از دستبرد فتن و آفات تمکین و فرمانبری او را گرن نهند (۴)

ولی‌خدا، بردلها و اندیشه‌ها و توده‌ها بفرمان خدای فرمان میراند و مردم را بسوی خدای میخواند و از کژی و نادوستی که مقصد اهریمن مردود است باز میدارد و چنین پیشوائی که لباس امامت درپوشیده از کانون معنویت خویش نور هدایت می‌باشد و آنچه سیاهی و تباهی است درهم می‌نوردد که امام هشتم (ع) فرمود:

الامام البدر المنیر والسراج الزاهر والنور الساطع والنجم الہادی فی غیاب الدجی (۵)

آخر گزیری جز این نیست که پس از پیامبر (ص) که رابط آفریدگار و آفریدگان اوست

۱ - سورة مائده آیه ۶۰      ۲ - الکافی      ۳ - تفسیر المیزان  
۴ - الامة والامامة      ۵ - الکافی

کسی زعامت اجتماع را برعهده گیرد که جانشین حقیقی و مستقیم او باشد و سرپرستی امت را برعهده گیرد و چنین کسی جز امام نمیتواند باشد و (امامت ریاستی است عامه بر مسلمین در امور دنیا و دین بر سبیل نیابت از پیغمبر ص) (۱)

این حقیقت پدیده ای است از عنایت پروردگاری که بر طبق قاعده لطف بایستی کسی را به اراده خویش برانگیزد تا مردم را از گناه و فساد و ستم بازدارد و به پرهیزگاری و فرمانبرداری و صلح و سلم بخواند چنانکه عالم تحریرخواجه نصیر میگوید

**لما مکن وقوع الشر والفساد و ارتکاب المعاصی بین الخلق ، و جب فی الحکمة وجود رئیس قاهر ، آمر بالمعروف ناه عن المنکر مبین لما یخفی عن الامة من غوامض الشرع منفذ لاحکامه لیکونوا الی الصلاح اقرب و من الفساد ابعد و یأمنوا من وقوع الفتن فکان وجوده لطفاً و قد ثبت ان اللطف واجب علیه تعالی و هذا اللطف یرسم امامة . فیکون الامامة واجبة (۲)**

**حکیم سبزواری** هم در تأیید همین حقیقت و به اتکالی قاعده لطف چون فرع شامخ نصب امام را از مقربات عباد الی الله میدانند وجود آن را واجب می شمارد (۳)

خدای لطیف هم با انتصاب امام و جعل خلیفه که منحصرأ مخصوص و منسوب به اوست پیشوایانی بر خلق برانگیخته و حکومت مطلقه الهیه را بآنان تفویض فرموده است و در کتاب مجید به آن اشارت نمود است که **انی جاعل فی الارض خلیفة (۴)**

**حقیقت امامت**

امامت مقام پیامبران و جای نشینان برحق آنان و ریاست روحانی خلق و مکتب آموزش انسانیت و پایگاه رهنمونی آدمیان است که اجتماع را در دامن حمایت خویش از فریب اهریمن باز میدارد و بحقیقت ایمان و کمال و رقاء میرساند امام ثامن (ع) در این باره فرمود :

**ان الامامة هی منزلة الانبیاء و وراثة الاوصیاء ، الامامة خلافة الله و خلافة الرسول و سپس افزود ان الامامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح**

**الدنیا و عز المؤمنین (۵)**

۱ - اسرار الحکم

۲ - فصول خواجة طوسی

۳ - باب هفتم اسرار الحکم

۴ - سوره بقره آیه ۲۹

۵ - عیون اخبار الرضا

و این مقام را خاصان حضرت رب العزة برای اداره امور اجتماع و هدایت خلق و سوق آنان بمقصد عالی خلقت و فطرت احراز کنند و هر کس را لیاقت نیل به آن نباشد که (ان الامامة اجل قدرا واعظم شأننا واعلى مكانا وامنع جانبا) (۱)

**هانری ماسه** مستشرق و محقق بزرگ فرانسوی (۲) میگوید امامت ریاست روحانی و مذهبی است که بخواست خدا و دستور پیغمبر در برابر بسیاری از پیروان دین اعلام گردیده و سر امامت ظهور و تجلی خدائی است که از امامی به امام دیگر بروز میکند (۳) امامت ریاست دنیا و دین را توأمان در بردارد و خلق را به کامیابی هر دو جهان فائز میگرداند .

### الامامة ریاسة الدنيا والدين في امور المسلمين على سبيل الخلافة

و بالاخره امامت اجرای دین و اقامه حدود و احکام ، اشاعه فضایل و مبارزه با رذایل اخلاقی ، رفع تردید ها و اختلافات اعتقادی و اجتماعی ، نشر معارف و آموزش قوانین دین ، حفظ انتظامات جامعه و صیانت ثنور مسلمین و بطور کلی نگهداری دین و دعوت بسوی خدای و زمامداری اجتماع و اصلاح جامعه را متضمن است (۴)

### امام کیست ؟!

امام حجة بالغة الهی است که بشر را بمبده آفرینش می پیوندد و فطرت انسانی را بیدار می سازد و سیاهی گناه و ستم را از افاق زیست اجتماع میزداید و توده را از نعمت آرامش و آسایش و کمال و عفاف و تقوی برخوردار می سازد و حضرت صادق فرمود **ما زالت الارض الا وفيها حجة يعرف الحلال والحرام ويدعو الناس الى سبيل الله** (۵) پس اوست که روشنی را از تاریکی بازمینماید و راستی را از کژی امتیاز میدهد ، بایست و ناشایست را و بحقیقت می شناسد و آئین خدای را نگهداری میکند و مردم را با اندرز و دانش بسوی خدای میخواند که امام علی بن موسی (ع) فرمود **«الامام يحل حلال الله ويحرم حرام الله و يقيم حدود الله و يذب عن دين الله و يدعو الى سبيل ربه بالحكمة و الموعدة الحسنة و الحجة البالغة الامام كالشمس الطالعة للعالم** (۶)

### امتیازات امام

شخصیتی که متعهد چنین مهمی برای زمامداری روحانی اجتماع میگردد و رهائی

۱ - الوافی

۲ - Henri massé      ۳ - société des études Iranienes

۴ - میزان المطالب      ۵ - غيبة النعمانی

۶ - الكافی

مردمان را از آثار سوء خشم و شهوت که نیروهای حیوانی و خصایص بهیمیت و سبعیت است و ظیفه داراست و باید آدمی را بمقام والای انسانیت و پیوستگی بخدای عروج دهد و نظام اجتماع را برطبق اصول راستین دین برقرار سازد در نخستین وهله نباید ستمکار باشد و آنسان که دانشمندان دین ریشه‌های پلید ظلم را منسب کرده‌اند شاخه‌ای از آن متجاوز بحریم الوهیت است که حضرتش را به یگانگی نشناسد و در پایگاه وحدانیتش شریکی بقراشند چنانکه لقمان بفرزندش گفت **یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم** (۱) ستم دیگر، آنکه بحقوق مردمان تجاوز کنند و درباره دیگران ابراز جور نمایند و انشعاب سوم، ظلم بخویش است که مرتکب مفاسد شوند و گوهر انسانیت را بسنگ تباہی و ناهنجاری بشکنند پس امام نمیتواند هیچیک از این شاخه‌های ستم را که منافی اصول عدل و نصف و فطرت است مرتکب گردد و مقام والای امامت ستمکاران را نمیرسد چنانکه خدای متعال فرمود :

**و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما**

**قال ومن ذریقتی قال لاینال عهدی الظالمین** (۲)

نگهبان پیامبر و امام از چنین مظالمی، ملکه و ضابطه ای مقدس بنام عصمت است که او را از هر لغزش و خطائی باز میدارد و نیت و اندیشه و کردارش را پاک و خالص می‌سازد و دامانش را از لوث گناه و جریرت منزّه میدارد و مسلم است که امام باید معصوم باشد تا بتواند دیگران را از انحراف بازدارد و با هر چه پلیدی و ناروائی است بستیزد چنانکه شیخ طوسی در این مورد گوید **ولما کان علة الحاجة الی الامام ، عدم عصمة الخلق و جب ان یکون الامام معصوماً والائم یحصل غرض الحکیم** (۳)

اسرار حکیم هم دلایلی بر وجوب عصمت امام می‌آورد و از جمله میگوید (امامت مانند نبوت است در تقویم دین و محافظت آن از زیادتى و نقصان) و سپس نتیجه گرفته میگوید پس امام باید معصوم باشد در علم و در عمل از خطا و سهو و نسیان پیش از نصب و پس از آن (۴) و امام ابو الحسن الرضا (ع) با بیان شیوای خویش فرمود **(الامام المظہر من الذنوب المبرأ من العیوب ، مخصوص بالعلم ، موسوم بالحلم نظام الدین و عز المسلمین و غیظ المارقین)** (۵)

۱ - سورة لقمان آية ۱۳

۲ - سورة بقره آية ۱۱۸      ۳ - اصل ۴۳ فصول شیخ طوسی

۴ - اسرار الحکم      ۵ - الکافی

و این اراده خداست جل شأنه العزیز که ائمه هداة مهدیین را از اشتباه و گناه برکنار دارد و دل و دامن آنانرا از ارجاس و انجاس منزّه بدارد که خویشمن در کتاب مبین فرمود :

**انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا (۱)**

و برآزندگیهای طبیعی (مؤهلات) خلافت را پنج خصیصه عالی انسانی ذکر کرده اند  
 ۱- زهد و بی نظری بدنیا ۲- شجاعت و ثبات قدم ۳- شرف خانوادگی و برکناری از عیوب و بدنامی ۴- علم کامل و رای روشن ۵- نیک خوئی و سیرت پاک و فضائل نفسانی و این خصایص است که امام را از دیگران ممتاز میگرداند (۲)

و بقول امام (ع) **(هو معصوم مؤید موفق مسدد قدا من الخطایا و الزلل**

**والعثار) (۳)**

**نصب امام**

اکنون باید دید امام را با اینهمه خصائص و امتیازات درخشان چه کسی در میان اجتماع می شناسد و کدام مقام، صلاحیت نصب و انتخاب او را دارد آیا مردمی ظاهر بین که شعاع دید آنها به رفته های اندیشه و دقیقه های نیت نفوذ نمی کند و پایگاه روح و نبوغ روان و قوت ایمان و صفای دل را در نمی یابند میتوانند چنین پیشوائی را در میانه تلاطمهای اجتماعی و تاریکیهای مادی گری و مقام پرستی و هواخواهی دریافت کنند و برمسند امامت بنشانند؟! یا ذات حکیم و علیمی که دانای آشکارها و نهانها (عالم السر و الخفیات) است اصالت و لیاقت چنین نصب و گزینشی را دارد؟!؟

قال تعالی : **و ربك یخلق ما یشاء ویختار ما كان لهم الخیرة سبحان الله و**

**تعالی عما یشركون (۴)**

مسلم است که بشر را چنین توانائی و دانائی و حسن نیت و صلاح اندیشی و معرفت و احاطه ای نیست که زعیم روحانی ربانی خویش را بشناسد و این گوهر نفس را از میان اینهمه سنگلاخهای وسیع و مهیب بیابد و بدست آورد **فمن ذالذی یرسل العاصم** و یمكنه اختیاره هیهات هیهات ضلت العقول و تاهت الحلوام و حارت الالباب  
**ب و حسرت العیون ..... (۵)**

و این حقیقت بصورت يك اصل و بحث مستدل چنین تجلی می کند **لما كانت العصمة**

۱ - سورة احزاب آیه ۳۳ ۲ - الامة و الامامة ۳ - الكافی

۴ - سورة قصص آیه ۶۹ ۵ - (المفضل عن الكافی)

امراً خفياً لا يطلع عليه، الا، علام الغيوب، ثم يكن للمخلق طريق الى معرفة المعصوم فيجب ان يكون منصوباً عليه من قبل الله تعالى، او من قبل نبي او من قبل امام قبله (۱)

امام کدام است؟!

اکنون باید دید امام کیست وچنین شخصیتی که با اینهمه امتیازات عالی روحانی از جانب خدای ورسولش برای هدایت خلق و اداره امور اجتماع مسلمین برگزیده شده چه نام دارد؟!

روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجرت در صحنه تاریخی و پرخروش غدیر خم بدست پیامبر گرانقدر اسلام از این حقیقت روشن پرده برداشته شد و قیافه ملکوتی **علی بن ابیطالب (ع)** از فرزند دست رسول در برابر امواج پر تلاطم حج گزاران مسلمان بر همه دل‌های مستعد و مشتاق تجلی کرد و جامعه اسلامیت دریافت که بعد از محمد (ص) خاتم رسولان **علی (ع)** عهده داری زعامت مسلمین و امامت مردمان است و این اقدام بفرمان حضرت یزدان انجام گرفت و نبی اسلام در برابر يك دستور قاطع تأمل ناپذیر بمعرفی جانشین لایق خویش پرداخت آری **بيك وحی مبشر این نوید سعادت بخش بود يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس (۲)** نزول این فرمان سعادت بخش در هنگامه شادی افزای غدیر حقیقت مسلمی است که سی نفر از دانشمندان و مفسران عامه از حافظ ابو جعفر طبری گرفته تا شیخ محمد عبده مصری در شان نزول آیه فوق به آن اعتراف کرده اند و نام یکان یکان آنان در تفاسیر مضبوط و معلوم است (۳)

پیامبر اسلام با دریافت فرمان صریح و مؤکد خداوندی انبوه مسلمین را در آن جایگاه فراهم آورد و در برابر آنان محمدت ذات کبریائی را بجای آورد و سپس فرمود **الستم تعلمون اني اولي بالمؤمنين من انفسهم** پس **علی (ع)** را بر فرزند دست گرفت و گفت **من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه (۴)** خوشبختانه این حقیقت مسلم و انکار ناپذیر بصورت يك واقعت محتوم و غیر مخدوش زینت بخش کتب تفسیر و حدیث و تاریخ گردیده و چنانکه در کتاب عالی و ارزنده الغدیر مذکور است حدیث شریف غدیر را یکصد ده تن از صحابه و هشتاد و چهار نفر از تابعین و

۱ - فصول شیخ طوسی اصل ۴۵

۲ - آیه ۶۷ سوره ۵ - ۳ - الغدیر ۴ - الغدیر

سپید و شصت و یک نفر از علمای بزرگ اهل سنت نقل کرده اند (۱)

در اینجا تحقیقات عالمانه و تتبعات عمیق عالم کبیر حضرت علامه آیه الله امینی در مجلدات مبارکه کتاب بزرگ الغدیر حقیقت ولایت علوی را بصورتی هر چه روشنتر و متجلی تر بیان می کند و حمد خدا را که فحول دانشوران عامه هم این صحیفه عالی را پذیرفته و به صحت آن اذعان نموده اند .

### علی (ع) امام راستین

پس علی (ع) منتخب خدا و رسول است و فرمان ولایت او را دست مشیت الهی امضاء کرده و بیان رسالت اعلام داشته است علی (ع) ولی خدا و مولای مسلمانان و پیشوای همگان است چنانکه کریمه شریفه **انما ولیکم الله...** که زینت بخش صدر مقال است مصدق این گفته است و یاران راستگوی پیامبر با ندادن بی ذر و عمار یاسر و همچنین کسانی چون عبدالله بن سلام و عطاء بن عباس روایت کرده اند که این آیه در شأن علی (ع) فرود آمده و در تفاسیر قرآن هم این حقیقت مندرج است (۲) پیامبر نیز همیشه خلافت و لیاقت علی (ع) را یاد آوری می کرد و از نخستین روز دعوت تا بهنگام ارتحال او را بجانشینی خویش معرفی مینمود و میفرمود **ان هذا اخي و وصيي و خليفتي فيكم فاسمعوا له و اطيعوه** (۳) دانشمندان و ارباب اندیشه و تحقیق هم چه آنانکه از جام ولایت علی سیرابند و چه کسانی که از حیطه معتقدات اسلامی بدورند منصفانه این عنصر ارجدار انسانی را بحق جای نشین پیامبر و پیشوای عدل و ایمان و تقوی شناخته اند چنانکه الغدیر از بیان **ابو الحسن مسعودی شافعی** چنین می نویسد :

**والاشياء التي استحق بها اصحاب رسول الله (ص) الفضل هي السبق الى الايمان والهجرة والنصرة الرسول والقربى منه والقناعة وبذل النفس له والعلم بالكتاب والتنزيل والجهاد في سبيل الله والورع والزهد والقضاء والحكم والعفة والعلم وكل ذلك لعلی عليه السلام (۴)**

معاویه دشمن ستمکار و نابکار علی (ع) با آنهمه شقاوت و گستاخی بفضل حضرتش شهادت میدهد و میگوید (بخدا سوگند پایه ای که علی (ع) در فصاحت برای قریش گذاشت

۱ - فصل کلمات حول سند الحدیث ج (۱) الغدیر

۲ - تفسیر المرائی ج ۲ - تفسیر عیاشی ج ۲ تفسیر فخر رازی ج ۳ - تفسیر

نیشابوری ج ۲

۳ - مسند احمد حنبل ، مناقب خوارزمی ۴ - مروج الذهب مسعودی

غیراونگذاشت واگر خانهای ازکاه و خانه‌های ازطلامیداشت زراپیش ازکاه می‌خشود(۸)  
**توماس کارلیل** نویسنده و خاورشناس مشهور انگلیسی (۱۸۸۱-۱۷۹۵) میگوید  
 علی(ع) را باید دوست بداریم و بر او عشق بورزیم که او جوان مرد عالیقدری بود که مهر و  
 نیکوئی از سر چشمه وجدانش بر می‌خاست و در کانون جاننش شعله‌های نیرومندی زبانه  
 میزد (۲)

فیلسوف و دانشمند بزرگ شرق **بوعلی سینا** درباره شخصیت ممتاز مرتضی(ع)  
 میگوید **علی(ع) بین الناس کالمعقول بین المحسوس(۳) دارمستمر(۴)** مورخ و مستشرق  
 متبحر اروپائی می‌نویسد افضلیت علی(ع) و عصمت و عدالت او چه در زمان پیغمبر و چه بعد از  
 آن در میان امت از دوست و دشمن متفق علیه بود(۵)

**جبران خلیل جبران** نویسنده بزرگ عرب هم علی(ع) را بدینگونه می‌ستاید **(مات  
 علی والصلوة بین شفتیه)** عجب این است که رؤسای مذاهب عامه هم مانند **محمد بن  
 ادیس شافعی** و **احمد حنبل** شیعیانی اعتراف بمقام شاه‌خ علی(ع) نموده‌اند و یکی دوستی  
 او را سپر آتش دوزخ میدانند و دیگری حضرتش را برترین یاران پیامبر می‌شمارد و حتی  
**ولتر** فیلسوف معروف فرانسوی از عدم اجرای وصیت پیامبر درباره علی(ع) متأسف است  
 و مینویسد آخرین اراده پیامبر اسلام اجرا نشد زیرا او علی(ع) را بجانشینی خویش منصوب  
 کرده بود و حال آنکه پس از مرگش عده‌ای ابو بکر را برگزیدند(۶)

خود علی(ع) هم که بنفس نفیس خویش بصیرت دارد خود و خاندانش را بما چنین  
 می‌شناساند **تالله لقد علمت تبلیغ الرسالات و اتمام العادات و تمام الکلمات و عندنا  
 اهل البيت ابواب الحكم و ضیاء الامر(۷)** و طاعات فرشی

حال به بینید پیامبر(ص) درباره برادر و جانشین خویش چه می‌فرماید و این عنصر پاک  
 ملکوتی را چگونه معرفی مینماید **قوله (ص) علی مع القرآن و القرآن مع علی  
 لن یفترقا حتی یردا علی الحوض(۸)**

آری قرآن صامت که بصورت یک بر نامه سعادت بخش و جاویدان آسمانی در کتابی  
 روشن مدون است به‌مراه علی(ع) که قرآنی ناطق است و حقایق الهام ربوبی را با گفتار

۱ - ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ۲ - (الاطال و عبادالبطوله)

۳ - حاشیه شفا ۴ - Darmestter (۱۸۹۴-۱۸۴۹)

۵ - کتاب مهدی ۶ - رساله آداب و رسوم ملتها

۷ - نهج البلاغه ۸ - مستدرک حاکم



و کردار خویش نمایش میدهد عهده دار هدایت مردمند و هیچگاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند و همین دو نفیسه عالی است که پیامبر از خویش بین جهانیان بیادگار گذاشت و فرمود انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی (۱)

اکنون باید دید خالق علی (ع) چگونه این آفریده ممتاز را که دست افشار خلقت بدیع اوست می‌ستاید و پایگاه عالی معنوی او را به‌عالمیان نشان میدهد و در کتاب کریم چنین می‌فرماید و یقول الذین کفروا لست مرسلنا قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم ومن عنده علم الکتاب (۲) در اینجا مقصود از کسیکه علم کتاب نزد او است علی (ع) است که از سوئی در برابر ذات حق شاهد معرفی شده و از جانب دیگر بزرگ شاهد و مصدق نبوت پیغمبر است (۳)

### اکمال دین

این حقیقت را به بداهت میدانیم که اسلام آخرین آئین زنده و جاوید آسمانی است و چون با فطرت و طبیعت همگام و هم آهنگ است بنا بر این متکی بناموس تکامل و قانون تدریج و تدرج است و از نخستین روز طلوع بانزول آیات روشن قرآن رو به تکامل میرفته و بالاخره روز عید غدیر با اعلام ولایت علی (ع) آخرین درجه کمال را پیموده و در اوج قدرت معنوی و تکامل روحانی قرار گرفته است بدانسان که دیگر مدرجی برای عروج آن متصور نیست و به پایگاه عرش رحمان ارتقاء یافته است بلی این آیه در چنین روزی فرود آمد الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً (۴) بلی اکمال دین و اتمام نعمت هدایت در این روز پیر و زمزم شد و خوشنودی خدای باسحاکم دین اسلام اعلام گردید و پیامبر با نهایت سرور و سپاس چنین گفت الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب بر سالتی و ولایة علی بن ابیطالب بعدی (۵)

### پایان مقال

از خدای عطا و لطیف می‌خواهیم که ما را بر طریق هدایت قرآن و متابعت رسول (ص) و ولایت علی و آلش (ع) پایدار بدارد و از گناه و انحراف و بیماری و سوء حادثات برکنار سازد

۱ - احتیاج طبرسی ۲ - سورة ابراهیم آیه ۴۴

۳ - تفسیر فیض و ابوالفتوح

۴ - سورة ه آیه ۲ ۵ - مفتاح النجاح - الخصائص العلویة

وسمادت هر دو جهان به پیروان حقیقی قرآن عنایت فرماید و اکنون مقطع مقال را بشعر  
 حسان بن ثابت که در صحنه غدیر با حضور حضرت رسول در نعت مولا سرود و انشاد کرد  
 زینت میدهم

ینادیهم یوم الغدیر نبیهم	بخدم فاسمع بالرسول منادیا
یقول : فمن مولاکم وولیکم	فقالوا ولم یبدوا هناک التعامیا
الیهک مولانا و انت ولینا	ولم تر منا فی الولاية عاصیا
فقال له : قم یا علی فانی	رضیتک من بعدی اماماً و هادیاً
فمن کنت مولاہ فهذا ولیہ	فکونوا له انصار صدق موالیا
هناک دعا : اللهم وال ولیہ	وکن للذی عادی علیاً معادیا (۱)

فخرالدین حجازی

۱ - الغدیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی